



شکر کر به از گنستانا  
 رزم دادند چون دلیران  
 بر طرف رستم نه جنگان

لشکر مو شها از راه کویر  
 در بنیابان فارس هر دو سپا  
 جنگ مغلوبه شد در آن اودی



که نیاید حساب آسانا  
 بعد از آن زد بقلب موشان  
 کر به شد سرنگون ز زمینا  
 که بگیرد پهلوانان

آفتد ر موش و کر به گشته شد  
 جمله سخت کرد کر به چو شیر  
 موشکی اسب کر به رانی کرد  
 الله الله فقاد در موشان (۱۳)

که منم ایچی ز شایان  
 عزم جنگ کرده شاه موشان  
 یا که آماده باش جنگان

رزم نرنگ بکر به عالی کرد  
 خبر آورده ام برای شما  
 یا برو پایتخت در خدمت



من شبایم برون ز کرمانا  
 شکر مفضلنی ز کرمانا  
 از صفایان ویزد و کرمانا  
 دادش برمان بوی میدانا

کر به کفنا که شاه که خورده  
 لیکن اندر خفا تدارک کرد  
 کر به های براق شیر شکار  
 لشکر کر به چون ممتی شد (۱۳)

(Table II.8: Moosh o Gorbah, illustration by an unknown artist. Scan presented on <http://moosh-o-gorbah.farangis.de>)